

## قربانی کردن در خارج از منا طبق فتاوی فقهای معاصر

\* جعفر بچاری

\* سیده راضیه پورمحمدی

### چکیده

از مکان‌هایی که حاجیان باید در روزهای دهم، یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه در آنجا باشند و اعمالی چون رمی جمرات، تراشیدن موی سر یا کوتاه کردن ناخن و قربانی کردن گوسفند، گاو یا شتر را به‌جای آورند، سرزمین مناست. آیات و روایاتی مبنی بر ضرورت قربانی کردن در سرزمین منا آمده است. امروزه مشکلاتی بر اثر کثرت جمعیت مسلمانان و کمبود جا و مکان در مکه مکرمه، جهت انجام اعمال فریضه حج، وجود دارد؛ از این رو، با توجه به حساسیت‌های موجود میان فقهای اسلام بر رعایت احکام و مسائل شرعی مهمی چون حج، سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا قربانی کردن در خارج از سرزمین منا، با توجه به زمان و مکان، جایز است یا نه؟ در پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده، نتایج حاصل از گردآوری فتاوی فقهای معاصر این است:

۱. برخی از فقهای معاصر، با ارائه استدلال‌های مختلف، قائل به اجزای قربانی در خارج از سرزمین منا، بلکه حتی در ایران و هر کشور دیگر حجاج هستند؛ چون قائل اند که

\* هیات علمی، دانشگاه تفسیر و علوم قرآن قم؛ bachari.jafar@yahoo.com

\* استادیار دانشکده اوقاف قم raz\_sae@yahoo.com

قربانی‌ها در سرزمین منا مورد تلف و اسراف قرار می‌گیرند و خداوند متعال به هیچ وجه راضی به این کار نیست.

۲. در مورد ذبح شبانه نیز بعضی از فقها آن را مجزی و بعضی غیر مجزی دانسته‌اند. در صورت اضطرار، ذبح در مسلخ‌های جدید را اکثر فقها مجزی می‌دانند و زمان قربانی را تا روز سیزدهم (ایام تشریق) جایز اعلام کرده، ولی بعضی‌ها رعایت ترتیب را لازم و بعضی غیر لازم می‌دانند. اما به هر حال، انجام اعمال مکه را پس از خروج از احرام جایز می‌شمارند.

کلیدواژه: حج، قربانی، منا، فقها، فتوا

## مقدمه

از مکان‌هایی که حجاج باید در آنجا وقوف کنند، مناست؛ یعنی روزهای دهم، یازدهم و دوازدهم ذی‌حجه باید در آنجا باشند و اعمالی همچون رمی جمرات، تراشیدن موی سر یا کوتاه کردن ناخن و قربانی کردن گوسفند، گاو یا شتر را به جا آورند. میان ادیان الهی و غیر الهی، آداب و رسوم مختلفی می‌توان یافت که با نیت‌های متفاوتی و به قصد انگیزه‌های فردی یا اجتماعی صورت می‌گیرد؛ چراکه صلاح دین و دنیای خود را در آن می‌بینند؛ یکی از این آداب و رسوم، که پیشینه‌ای به بلندای تاریخ بشر دارد، رسم قربانی کردن است و هر آیینی تعریف خاصی را از آن دارد. لذا همواره در قالب اهدای قربانی‌های دسته‌جمعی انسانی یا حیوانی یا هدایای نباتی و جمادی صورت می‌گرفته است. این قربانی‌ها برای ایجاد رابطه‌ای میان منشأ ماورای طبیعت با انسان، با نیت‌های مختلف، مثل کسب قدرت معنوی یا شرکت در یک وعده غذای مشترک با خدایان یا رفع نقایص و ضعف‌ها، صورت می‌گرفت و چون قربانی از لفظ قرب و نزدیکی است؛ یعنی تقرب به ماورای طبیعت، لذا جنبه تقدس به خود گرفته است.

امروزه میلیون‌ها نفر در ایام حج، به مکه مکرمه عزیمت می‌کنند که این همه جمعیت، طبیعتاً فضای بیشتری را می‌طلبد و باعث ایجاد مشکلات عدیده‌ای می‌شود؛ لذا رعایت مسائل امنیتی و بهداشتی، از ضروریات برگزاری ثمربخش این مناسک جهانی مذهبی است تا مبدا فاجعه‌ای انسانی رخ دهد. در این راستا، حکومت عربستان برای استفاده بهینه از گوشت قربانی، قربانگاه‌ها را به خارج از سرزمین منا منتقل کرده و برای پوست کندن قربانی، تکه‌تکه کردن گوشت آن، دسته‌بندی،

منجمدسازی و... دستگاه‌های مجهزی نصب کرده است.

با توجه به حساسیت‌های موجود بین فقهای اسلام بر رعایت احکام و مسائل شرعی مهمی چون حج، سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا قربانی کردن در خارج از سرزمین منا، با توجه به زمان و مکان، جایز است یا نه؟ در این خصوص سؤالات دیگری نیز به ذهن می‌رسد که آنها را بررسی خواهیم کرد.

## قربانی در خارج از منا

یکی از اعمال واجب در سرزمین منا، برای کسانی که حج تمتع به جا می‌آورند، این است که پس از رمی جمرات، قربانی کنند؛ یعنی حاجی باید یک شتر، گاو یا گوسفند سالم و فربه را به قصد تقرب به خدا و جلب رضایت او قربانی کند.

خداوند در این زمینه می‌فرماید:

﴿وَأْتُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُخْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةً إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلَهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (بقره: ۱۹۶)

«و حج و عمره را برای خدا به اتمام رسانید و اگر محصور شدید، آنچه از قربانی فراهم شود [ذبح کنید و از احرام خارج شوید] و سرهای خود را نتراشید تا قربانی به محلش برسد [و در قربانگاه ذبح شود]. و اگر کسی از شما بیمار بود و یا ناراحتی در سر داشت، [و ناچار بود سر خود را تراشد] باید فدیة و کفاره‌ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفند بدهد و هنگامی که [از بیماری و دشمن] در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است [ذبح کند]. و هر که نیافت، سه روز در ایام حج، و هفت روز هنگامی که باز می‌گردید، روزه بدارد. این، ده روز کامل است. [البته] این برای کسی است که خانواده او، نزد مسجدالحرام نباشد (اهل مکه و اطراف آن نباشد) و از خدا پرهیزید و بدانید که او سخت کیفر است.»

فتاوی واجب بودن کشتار در منا، از روزگار شیخ طوسی شروع شده و پس از او، این حکم یقینی فرض شده است؛ به ویژه با توجه به اینکه منا، سرزمین گسترده‌ای بوده و گشایش چندین برابر حجگزاران آن زمان را داشته است. از این رو، حجگزاران برای خوردن و خشک کردن گوشت به منا می‌رفتند و هرگز مسئله کمبود جا، مشکلات بهداشتی و... که مورد ابتلای امروز است، در ذهن آنان وجود نداشت. از این رو، گرچه بحث‌های بسیاری پیش کشیده‌اند، از کمبود جا و آلودگی محیط (به خاطر کشتار در منا) سخنی به میان نیاورده‌اند و لزومی هم نمی‌دیدند که از واجب بودن و نبودن کشتار در منا سخن بگویند؛ زیرا همین که واجب بودن کشتار ثابت می‌شد و کشتار هم باید در جایی واقع می‌گردید، چون در آن زمان همه در منا به سر می‌بردند، از این رو، برای خوردن خود و دیگران در منا کشتار می‌کردند (عابدینی، ۱۳۷۵ش، شماره دهم، ص ۲۰۶).

واجب بودن کشتار در منا از ضروریات فقه شیعه نیست و فقیهان نخستین، چنین حکمی را بیان نکرده‌اند. به فرض که ضرورت فقه شیعه هم باشد، اکنون این حکم عملی نیست؛ از این رو، به سراغ دلیل‌ها می‌رویم، به امید اینکه بدون تمسک به دلیل‌های اضطرار، مشکل حل شود؛ یعنی از خود دلیل‌ها روشن می‌شود که کشتار قربانی در منا واجب نیست.

دلیل کسانی هم که آن را واجب می‌دانند، ناتمام است و با فرض تمامیت این حکم، موسمی و مربوط به برهه خاص بوده است (عابدینی، ۱۳۷۵ش، شماره دهم، ص ۲۰۸).

با توجه به تأثیر زمان و مکان در احکام شرعی، به دلیل اهمیت موضوع قربانی، بر آن شدیم که به بیان نظرات فقهای عظام معاصر بپردازیم تا بتوانیم جمع‌بندی کاملی انجام دهیم. البته با توجه به آخرین یافته‌ها و اطلاعات موجود پایگاه‌های اطلاع‌رسانی دفا تر این آیات عظام - دامت برکاتهم - سعی شده است که با توجه به استفتائات صورت گرفته و تجزیه و تحلیل آنها نتیجه‌گیری شود.

مهم‌ترین سؤالی که در اینجا مطرح است، این است که آیا قربانی کردن در مسلخ‌ها و قربانگاه‌های جدید مجزی است یا خیر؟ البته در فتاوی بعضی از مراجع عظام تقلید، برخی دیگر از جوانب مسئله نیز مورد توجه قرار گرفته است:

## ۱. حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رحمته الله علیه

- گفته می‌شود که در منا، مسلخ فعلی، کمی در وادی محسّر ساخته شده است و در این صورت، هرچند در صورت امکان، ولو تا آخر ذی‌حجه، باید در منا قربانی کنند. لکن قربانی در مسلخ جدید مجزی است.
- واجب است احتیاطاً که قربانی را از روز عید تأخیر نیندازند؛ حال اگر کسی بدون عذر تأخیر انداخت، قربانی او صحیح است. ولی باید ترتیب بین قربانی و حلق و اعمال مکه مراعات شود.
- اگر ذبح در منا تا آخر ذی‌حجه ممکن شود، باید ذبح را تأخیر انداخت. ولی ترتیب بین قربانی، حلق و تقصیر، علی‌الاحوط، باید رعایت شود.

## ۲. مقام معظم رهبری

- ذبح در مسلخ جدید مجزی است.
- اگر ذبح در منا تا آخر ذی‌حجه ممکن شود، باید ذبح را تأخیر انداخت و حلق و تقصیر را باید بعد از قربانی تأخیر انداخت و علی‌الاحوط ترتیب مراعات شود.
- اگر احراز شود محله‌ای داخل منا ساخته شده است، قربانی در آن مانع ندارد، ولی بدون احراز، صحیح نیست.
- کسی که ذبح قربانی را بنا به هر دلیلی از روز عید به تأخیر انداخته، لازم نیست حلق یا تقصیر را هم به تأخیر اندازد؛ بلکه بعید نیست انجام حلق یا تقصیر در روز عید واجب باشد و نباید در این مورد ترک احتیاط کند؛ اما صحت انجام طواف حج و دیگر اعمال پنجگانه مکه، در چنین حالتی (تأخیر در انجام قربانی) محل اشکال است و باید برای انجام آن اعمال تا ذبح قربانی منتظر بماند.
- اگر نتواند در روز عید در منا قربانی کند، لیکن قربانی کردن در روز عید در قربانگاهی که در حال حاضر در خارج از منا برای قربانی در نظر گرفته شده، برایش میسر باشد، بنابر احتیاط، واجب است که ابتدا قربانی کند و سپس حلق یا تقصیر نماید و اگر این کار هم برایش ممکن نباشد، بنابر احتیاط واجب، باید در روز عید حلق یا تقصیر انجام دهد که با انجام آن، از احرام خارج می‌شود؛ اما باید اعمال پنجگانه مکه را تا پس از ذبح قربانی به تأخیر اندازد.
- بعید نیست عدم تعیین ذبح در منا، اگرچه احتیاط ذبح در مناست و بنابر احتیاط واجب ذبح باید روز عید باشد.

- محل انجام ذبح، مناست و در صورتی که از ذبح در منا ممانعت شود، انجام آن در محل تعیین شده، در حال حاضر، بلامانع است.

### ۳. آیت الله العظمی سیستانی

- اگر ذبح در منا، به علت زیاد بودن زائر و حاجی و گنجایش نداشتن منا برای همه آنها ممکن نباشد، بعید نیست کشتن در وادی محسر نیز جایز باشد و اگر عدم امکان به علت منع حکومت و غیر اینها باشد، احتیاط این است که هم در وادی محسر ذبح نماید و هم سه روز روزه بگیرد. خوف از ضرر در صورت مخالفت با قانون حکومت (سعودی) رافع وجوب ذبح در مناست و این مسئله، مقتضی مجزی بودن ذبح در جای دیگری به جای منا نیست. ملاک مجزی بودن ذبح در وادی محسر، تنگی جا برای در برگرفتن همه حجاج است؛ لیکن اگر به دلیل فوق الذکر و مانند آن (نه بر اثر تنگی جا) ذبح در منا ممکن نبود، احتیاط واجب آن است که هم در وادی محسر ذبح کند و هم بدل از قربانی روزه بگیرد.

- باید وظیفه شرعی را با ذبح قربانی در منا انجام داد و گناه تضييع گوشت‌ها، اگر وجود داشته باشد، بر عهده مسئولان است.

- حتماً قربانی باید داخل منا ذبح شود و اگر به سبب کثرت حاجیان و تنگی وقت است، ذبح منحصر به روز عید نیست و آن را تا پایان روزهای تشریق می‌توان عقب انداخت.

### ۴. آیت الله العظمی گلپایگانی

- در صورت اضطرار و عدم تمکن از ذبح در خود منا، حتی با تأخیر ذبح، در محل فعلی مجزی است، والله العالم.

### ۵. آیت الله العظمی اراکی

- در صورتی که با تأخیر از روز عید، ذبح در منا ممکن باشد، تأخیر بیندازد و الا در روز عید، در مسلخ موجود ذبح کند و قید منا ساقط می‌شود، به واسطه تعذر از آن.

### ۶. آیت الله العظمی بهجت

- با فرض تعذر از قربانی در منا در روز و شب عید، ذبح در خارج آن مانع ندارد.

### ۷. آیت الله العظمی تبریزی

- چنانچه نتواند در خود منا قربانی کند، کافی است، والله العالم.



## ۸. آیت الله العظمی زنجانی

– اگر تا آخر ذی حجه بتواند بدون حرج در خود منا قربانی کند، باید در آنجا قربانی کند؛ ولی اگر قربانی در منا امکان نداشته باشد یا با حرج (شخصی یا نوعی) همراه باشد یا باقی ماندن در احرام تا هنگام قربانی کردن در منا تا اواخر ذی حجه برای وی یا نوع افراد حرجی باشد، لازم نیست در منا قربانی کند؛ بلکه قربانی کردن در مسلخ جدید، که در وادی محسر واقع است، جایز می‌باشد.

## ۹. آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

– تا قربانی در منا ممکن است، در غیر منا مجزی نیست؛ بلی اگر بکلی معذور باشد، ذبح در وادی محسر مجزی است، والله العالم.

## ۱۰. آیت الله العظمی سید محمد حسین فضل الله

– قربانی کردن در روز عید، در منا یا در وادی محسر، در صورتی که در منا محدودیت مکانی باشد، واجب است.

– احتیاط واجب این است که ذبح را از روز عید تا شب به تأخیر نیندازند، ولی اگر کسی این کار را کرد، عمل او صحیح است.

– اگر نهادهای مسئول در امور حج و یا شرکت عهده‌دار این وظیفه، مورد اطمینان بوده و طبق نوبت داده شده به حاجیان، اقدام به ذبح نمایند بعید نیست که مجزی باشد. تأخیر از روز عید، در صورتی که ذبح کردن در روز عید به اتلاف و هدر رفتن قربانی منجر گردد، بخشیده است و بعید نیست که این کار را نوعی بلوغ هدی به محلش بدانیم و باز در صورتی این روش پذیرفته است که قربانی کردن در حج، با روش‌های دیگر سودمند نباشد؛ آن گونه که بعضی از مؤمنان، قربانی‌های ذبح شده را با ماشین‌های فریزردار به نقاطی می‌برند که فقیر دارد و در میان آنان توزیع می‌کنند، والله العالم.

– قربانی کردن در روز عید و در حج تمتع واجب است و چیزی (مال و اموال) جای آن را نمی‌گیرد.

## ۱۱. آیت الله العظمی فاضل لنکرانی

– ذبح در شب کفایت نمی‌کند و جایز نیست مگر برای خائف. ولی اگر کسی از روی جهل به مسائل یا به گمان اینکه شب نشده، در شب قربانی کند، کفایت می‌کند.

- قربانی باید در منا انجام شود و قربانی در ایران مجزی نیست.

- تکلیف حجاج نسبت به قربانی و محل آن عوض نمی شود؛ چون اعمال حج، تعبد و از شعائر الهی است که باید به موقع و در محل خود انجام شود و قربانی، یکی از اعمال حج است و محل ذبح آن مناسبت و در صورت تعذر باید نزدیک منا با رعایت «الاقرب فالاقرب» انجام شود و مصرف نشدن گوشت آن، دلیل و موجب عوض شدن حکم نمی شود؛ بلکه وظیفه حجاج، تنها ذبح کردن در منا یا نزدیک منا، با رعایت الاقرب فالاقرب است و اگر صدق اسراف و تبذیر کند (که چنین نیست) یا گوشت ها ضایع و سوزانده شود، این اشکال، مربوط به حجاج نیست؛ بلکه مربوط به قوه حاکمه حرمین شریفین است. این وظیفه آنهاست که از امکانات و وسایل روز بهره ببرند و از ضایع شدن گوشت ها جلوگیری کنند و خلاصه حجاج محترم باید توجه داشته باشند که حج از فرایض مهم اسلام و اعمال آن از شعائر بزرگ الهی است که باید محفوظ بماند و در عین حال، تعبد محض است و عقول ناقص و علوم ضعیف ما به کنه و واقعیت ها و علل آن نمی رسد. لذا نباید به این گونه اشکالات و شبهه ها اعتنا و توجه کرد «وَفَقُّمُ اللَّهُ وَإِنَّا لِلْعِلْمِ وَالْعَمَلِ وَالْعِبَادَةِ».

- البته قسمتی از مسلخ جدید در منا واقع است؛ لیکن از یکسو مسلخ های قدیمی دیگری در منا نیز وجود دارد؛ گرچه دسترسی به آنها مشکل است و از سوی دیگر قربانی در مسلخ جدید مانعی ندارد.

## ۱۲. آیت الله العظمی خوئی

- «و كذلك الاجماع المدعی علی وجوب ذبحه بمنی لا یشمل مورد العجز عن ذبحه بمنی. فالمرجع حیثئذ هو اطلاقات ادله وجوب الذبح. فإن دلیل القید إذا لم یکن له اطلاق فیؤخذ باطلاق دلیل اصل الواجب و مقتضاه الذبح فی أی مکان شاء»<sup>۱</sup>.

- «فعلی ما ذکرنا لا موجب للانتقال إلى الصوم بدل الهدی فان الصوم الذی هو بدل

۱. و همچنین اجماع ادعایی در مورد وجوب ذبح قربانی در منی، شامل موارد عجز و ناتوانی و عدم امکان از ذبح در منا نمی شود. لذا در چنین جاهایی باید به اطلاقات ادله وجوب ذبح مراجعه کرد که اگر دلیل قید اطلاق نداشت، به دلیل اصل واجب، اخذ می شود که مقتضای آن ذبح در هر مکانی است که بخواهد.



عن الهدى إنما يجب على من لم يتمكن من الهدى لفقده و أما من يتمكن من الهدى و يجد ثمنه ولكن لا يتمكن من الذبح بمنى فلا يشمل هذا الحكم.<sup>۱</sup>

– ایشان ذیل عبارت «و يجب ان يكون الذبح بمنى» می فرماید: «للقطع به عند الاصحاب و للسيرة القطعية المستمرة من زمن النبي إلى زماننا و يدل عليه مضافاً إلى ما ذكر، الكتاب العزيز». (موسوی خویی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۰۷). وی برای وجوب قربانی کردن در منا، سه دلیل بیان می کند:

الف) حکم قطعی اصحاب، بلکه اجماع تام و تمام؛

ب) سیره قطعی از زمان پیامبر ﷺ تا کنون؛

ج) دلالت آیه مبارکه ﴿حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ﴾ (بقره: ۱۹۶)، بر این حکم.

### ۱۳. آیت الله العظمی نوری همدانی

\* جایز است که قربانی را بر رمی جمره مقدم بدارند و پس از آن، رمی و حلق یا تقصیر را به انجام برسانند و بعد از آن، از احرام خارج شوند. ذبح در مسلخ جدید، مجزی است.

### ۱۴. آیت الله العظمی مکارم شیرازی

\* «إذا استعصت الحالات الثلاثة السابقة، بحيث لم يبق أمامنا إلا الإلتلاف أو الإحراق، يمكن القول بسقوط وجوب الذبح (لأن الواجب ليس مجرد إراقة الدم، بل مشروط في الكتاب و السنة بصرفها في مصارفها، و حيث لا يمكن تحصيل الشرط يسقط المشروط، كما سيأتي تفصيلاً). و لكن الأحوط وجوباً عزل ثمنها، ثم الإتيان بسائر المناسك، ثم الذبح في الوطن أو محل آخر بعد الرجوع في شهر ذي الحجة، و الأولى في صورة الإمكان، التنسيق و الاتفاق مع بعض الأهل و الأصدقاء للذبح يوم الأضحى في الوطن - لكي يقع الذبح و الصرف في نفس اليوم - و التقصير

۱. بنابراین وجهی برای روزه گرفتن بدل از قربانی وجود ندارد، چون روزه بدل از قربانی بر کسی واجب است که به واسطه فقر قادر به خرید قربانی نیست، ولی اگر کسی چنین فقری نداشته باشد و پول هم دارد، ولی امکان ذبح در منا را ندارد، این حکم (روزه بدل از قربانی) شامل وی نمی شود. (موسوی خویی، ۱۴۱۰ش، ج ۵، ص ۲۱۲)

بعده (لکن هذا ليس بواجب لأنه يوجب العسر و الحرج علی كثير من الحجاج)<sup>۱</sup>  
(مکارم شیرازی، ۱۴۱۸ق، ص ۶).

ایشان به دو دلیل چنین نظریه‌ای را ارائه کرده‌اند:

۱. بنا به روایات، ذخیره‌سازی گوشت قربانی ممنوع است و باید به دست نیازمندان برسد و اگر این امکان وجود ندارد، پس اصل قربانی واجب نیست، لیکن چون قربانی هیچ‌گاه برداشته نشده، لذا احتیاط واجب آن است که حاجی، پول قربانی را جدا کرده، در بازگشت به وطن قربانی کند.

۲. در هر صورت ذبح در منا شرط قربانی حج است و اگر بگوییم که آن به نحو مطلق در قربانی شرط است - حتی در فرض ممکن نبودن - نتیجه این می‌شود در صورت عجز از آن، قربانی ساقط شود و اگر بگوییم که آن شرطی است مخصوص به حالت اختیار، در این صورت در فرض عاجز شدن از آن ذبح، در هر مکان دیگر جایز خواهد شد (حائری، ۱۳۸۰ش، ش ۲۷، ص ۳۰).

\* اگر گفته شود: با توجه به روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام، تا زمانی که نیازمندی در سرزمین منا باشد، نمی‌توان گوشت قربانی را ذخیره کرد و باید بین آنها تقسیم نمود.  
\* پاسخ داده می‌شود: ذخیره کردن، منافاتی با اطعام مساکین ندارد. به هر حال ذخیره

۱. اگر حالات سه‌گانه سابقه، یعنی «ذبح قربانی در سرزمین منا و در اختیار نیازمندان گذاشتن گوشت آن»؛ «عدم وجود نیازمند در سرزمین منا ولی امکان نقل گوشت قربانی به نیازمندان جای دیگر»؛ «عدم امکان نقل گوشت قربانی از سرزمین منا ولی امکان ذبح در مکه و رساندن آن به دست نیازمندان». سخت و دشوار باشد؛ طوری که هیچ راهی جز اتلاف یا سوزاندن قربانی وجود ندارد، ممکن است بگوییم که وجوب ذبح قربانی ساقط است؛ چون آنچه واجب است صرف ریختن خون نیست، بلکه آنچه در کتاب خدا و سنت، شرط آمده است، مصرف کردن گوشت قربانی در مصارف تعیین شده است. لذا وقتی نتوان به شرط عمل کرد، مشروط نیز ساقط می‌شود؛ ولی احتیاط واجب، کنار گذاشتن قیمت قربانی و سپس ادامه مناسک حج است و بعد از رجوع در شهر ذی‌الحجه، در وطن خود یا محلی دیگر ذبح نماید. ولی در صورتی که امکان داشته باشد، اولی این است که باهماهنگی بعضی از فامیل یا دوستان، ذبح را در روز عید قربان در وطن خود انجام دهد تا ذبح و مصرف آن در یک روز واقع گردد و بعد تقصیر نماید. البته این امر واجب نیست چون موجب عسر و حرج بر بسیاری از حجاج می‌شود.

هم که می‌کنند به دلیل حفظ و نگهداری آن برای رساندن به دست مستمندان است. وقتی امکان مصرف یکجای آن همه گوشت وجود ندارد و توان انتقال دفعی آن هم نیست، سه راه بیشتر نمی‌ماند:

الف) دادن گوشت اضافه به مستمندان، که خود ممکن است باعث اتلاف و نابودی شود، در نتیجه فرقی نمی‌کند.

ب) ندادن بیش از مصرف، که ممکن است منجر به اتلاف و سوزاندن به دلیل عدم امکان نگهداری یا عدم جواز نگهداری باشد.

ج) ذخیره کردن آن و ارسال تدریجی برای نیازمندان در سرزمین منا، و غیر آن است که هر عقل سلیمی این راه را ترجیح می‌دهد؛ چون تمام اختلافات بر سر حفظ و نگهداری گوشت قربانی و عدم اتلاف آن است که این راه، یکی از روش‌های جلوگیری از اتلاف است. ضمن اینکه نصی بر عدم ذخیره‌سازی وارد نشده است یا به عبارت صحیح‌تر بنده نیافتم یا می‌توان پرسید که به چه دلیل فقط باید به نیازمندان سرزمین منا داد؟ درحالی که این همه فقیر مسلمان گرسنه در جهان وجود دارد که قادر به سیر کردن شکم خود نیستند.

شارع مقدس به دنبال رفع نیاز نیازمندان است. پس اگر نشود، اصل قربانی واجب نیست؛ چون اطلاقی در ادله نمی‌بینیم که بگویید بدون توجه به نیازمندان هم، قربانی واجب است.

اگر این دلیل وحدت مطلوب باشد، اشکال ما بر ایشان ثابت می‌شود که بنا بر مقدمه بودن ذبح برای اطعام، می‌توان به خرید گوشت از قصاب‌ها و تقسیم بین نیازمندان اکتفا کرد (حائری، ۱۳۸۰ش، ص ۲۷، ص ۳۴).

\* اگر گفته شود: این کلام با ظاهر آیات و روایات، بلکه با نص بعضی از روایات نمی‌سازد؛ چون در ادله وجوب قربانی هم اطلاق هست و هم مفاد ادله این است که قربانی کردن و گوشت را به دست نیازمندان رساندن، هر دو واجب است؛ نه یکی از آنها که با یکدیگر ارتباطی ندارد تا اگر امکان قربانی نبود، بگوییم پس اطعام هم نیاز نیست.

به عبارت دیگر باید گفت دو واجب است؛ چون مالایدرک کله لایترک کله. اگر امکان قربانی کردن در منا نباشد یا قربانی کردن، ثمره‌ای جز اتلاف اموال

مسلمین ندارد، از آن طرف هم قربانی باید صورت بگیرد، راه دیگری باقی نمی ماند جز اینکه بگوییم حال که واجب است قربانی صورت بگیرد و امکان آن در سرزمین منا وجود ندارد، پس در جای دیگری به قصد درک واجب دیگری (اطعام) انجام می دهیم و نمی توان گفت که شارع مقدس این امر را نمی پسندد؛ چون هم قربانی صورت گرفته و هم اطعام داده شده است. آیا می شود این دو را به دلیل عدم امکان قربانی کردن در سرزمین منا ترک کرد؟ ضمن اینکه ادله و جوب قربانی اطلاق دارد؛ مثلاً آیه مبارکه:

﴿فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ﴾ (بقره: ۱۹۶)؛ «هر کس پس از عمره تمتع به حج بیاید، آن قدر که می تواند باید قربانی کند».

این آیه دال بر وجوب هدی است؛ چه به دست نیازمندان برسد و چه نرسد؛ توان ذبح در منا باشد یا نباشد. صحیحه زراره نیز، که پیش تر ذکر آن گذشت، بر همین معنا دلالت می کند.

در صحیحه زراره آمده است: «وعليه الهدى».

روشن است که دلیل ها اطلاق دارند. بر عهده حج گزار هدی است؛ چه بتواند در منا قربانی کند، چه نتواند. در دلیل های شرط بودن منا، اگر بیانی مانند «لا ذبح إلا منى»، با سند قطعی ثابت می شد، آن گاه ممکن بود کسی بگوید: «لشان شرط اطلاق دارد و می گوید در غیر منا کشتاری نیست؛ چه توانایی و امکان از کشتار در منا داشته باشد، چه نداشته باشد» (احمدی، ۱۳۷۶، ش ۱۳، ص ۱۷).

بعضی ها نیز با استفاده از آیه ذیل، به دلیل فاء فکلو، رأی بر یگانگی خواسته (ذبح و اطعام نیازمندان) داده اند:

﴿وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ﴾ (حج: ۳۶)

«و شترهای چاق و فربه را [در مراسم حج] برای شما از شعائر الهی قرار دادیم، در آنها برای شما خیر و برکت است. نام خدا را [در هنگام قربانی کردن]، درحالی که به صف ایستاده اند، بر آنها ببرید و هنگامی که پهلوهایشان آرام گرفت [و جان دادند] از گوشت

آنها بخورید و مستمندان قانع و فقیران را نیز از آن اطعام کنید.»

\* پاسخ داده می‌شود: نسبت به این برداشت باید گفت: درست نیست؛ چون فاء نقش بیان ترتیب طبیعی خوردن و خوراندن را دارد؛ نه اینکه وجوب قربانی مترتب بر خوردن و خوراندن به دیگران باشد. ضمن اینکه فاء بر سر امر، بعد از توهّم حذر، وارده شده؛ چون قربانی کننده خیال می‌کند که خود حق خوردن از این قربانی را ندارد. فکلو آمده تا این توهّم باطل را برداشته، اجازه خوردن دهد؛ نه وجوب خوردن. لذا خواسته، یکی نیست؛ بلکه در این آیه سه نکته وجود دارد:

الف) واجب بودن قربانی با توجه به «فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ»  
ب) جواز خوردن با توجه به «فكَلُوا».

ج) خوراندن نیازمندان با توجه به «اطعموا».

پس خوردن و خوراندن ارتباطی به هم ندارند؛ یعنی اگر کسی نخورد، لزوم خوراندن بر عهده او باقی است و این خوردن و خوراندن ربطی به قربانی کردن ندارد؛ یعنی اگر کسی نتوانست بخورد و بخوراند، وجوب قربانی کردن از او ساقط نمی‌شود؛ زیرا این دو حکم قید و وجوب قربانی نیستند که اگر انجام آنها ممکن نشود، اصل قربانی برداشته شود؛ چون رفع نیاز فقیران، یکی از حکمت‌های قربانی است؛ نه تمام حکمت‌های آن.

علاوه بر این دو اشکال؛ پنج اشکال دیگر نیز از برخی بزرگان نقل شده است که خلاصه آنها را همراه با جواب، در ذیل ذکر می‌کنیم (نشریات فقه اهل بیت علیهم‌السلام، شماره ۲۷، سال ۸۰؛ درس‌هایی از مکتب اسلام، شماره ۹، سال ۸۱).

در پایان این فصل، استفتائات صورت گرفته از سوی بانک توسعه اسلامی و واحد چرایی طرح قربانی سازمان حج و زیارت و فتاوی مراجع عظام تقلید - دامت برکاتهم - در مورد عدم رعایت ترتیب اعمال و ذبح شبانه، عیناً ذکر می‌شود:

در ابتدا باردیگر خلاصه‌ای از نظریه آیت الله مکارم شیرازی را ذکر می‌کنیم:

اگر قربانی حج تلف می‌شود (دفن یا سوزاندن) ذبح در آنجا جایز نبوده و در جایی که گوشت‌ها به مصرف شرعی می‌رسند باید ذبح کرد؛ یعنی پول قربانی را در روز عید باید کنار گذاشته، در بازگشت به محل سکونت خود در ماه ذی‌الحجه قربانی کند

و یا با کسی در محل خود هماهنگ نماید تا در ساعت معینی، پس از رمی جمرات، در روز عید برای او قربانی کنند.

اشکال (۱) نسبت بین «دلیل وجوب قربانی» و «دلیل حرمت اسراف و تبذیر» ورود است نه تعارض و تراحم؛ زیرا اگر دلیلی بر وجوب ذبح باشد، موضوع اسراف و تبذیر تکویناً برداشته می شود.

پاسخ ( ورود؛ یعنی یکی از دو دلیل، موضوع دلیل دیگر را، به کمک تعبد شرعی، رفع می کند. پس موضوع دلیل ورود، الزاماً باید از عناوینی باشد که به واسطه تعبد شرعی قابل رفع باشد. لذا اگر شارع در موضوعی، عرف را ملاک قرار داد، نمی تواند مورد واقع شود. ضمن اینکه برای تحقق ورود اولاً: باید موضوع از اموری باشد که ارتفاع و ثبوت آن توسط شارع ممکن باشد و ثانیاً انتفای موضوع دلیل اول نیز به واسطه تعبد شرعی صورت گیرد. در حالی که خود شارع، این امر را به عرف واگذار کرده است. لذا مصداق ورود نیست.

شارع به معنای عرفی اسراف اکتفا نموده و در کتاب های لغت، معانی خطا، تبذیر، ضد قصد و میانه روی، تجاوز از حد، انفاق در غیر مورد حاجت، انفاق در معصیت و آنچه عقلاً قبیح می شمارند (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۳۷۳؛ فیروزآبادی، بی تا، ج ۳، ص ۱۵۶؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ج ۲، ص ۳۶۱، طریحی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۶۹) برای آن در نظر گرفته اند که همگی به یک معنا؛ یعنی تجاوز از حد که عقلاً آن را قبیح می دانند، بر می گردند که همین معنا نیز مورد توجه و عنایت فقهای ما قرار گرفته است (نراقی، ۱۳۷۵ش، ص ۶۳۰؛ اردبیلی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۸۸).

ملا احمد نراقی در مورد اسراف، می نویسد:

«المراد بالوسط الذي يكون التجاوز عنه إسرافاً: هو ما يسمّى وسطاً عرفياً، لأنّ المرجع في معرفة الحقائق اللغوية هي المصاديق العرفية، فالمرجع في معرفة الوسط هو العرف، والوسط في العرف: هو صرف المال في القدر المحتاج إليه، أو اللائق بحال الشخص، فكل صرف مال و إنفاق لم يكن كذلك فهو يكون إسرافاً، سواء لم يكن صرفاً و إنفاقاً بل كان تضييعاً و إتلافاً، أو كان صرفاً و لم يكن لائقاً بحاله أو كان مما لا يحتاج إليه» (نراقی، ۱۳۷۵ش، ص ۶۳۲)

«مراد از میانه روی، که گذشتن از آن اسراف است، همان میانه روی عرفی است؛



چون ملاک حقیقت لغویه، مصادیق عرفیه است. پس ملاک شناخت میانه روی، عرف است که به صرف مال در مقدار نیاز، یا لایق به شأن شخص معنا شده است و فرقی نمی کند که صرف و انفاق نباشد، بلکه تزییع و اتلاف باشد یا صرف باشد، ولی به دور از شأن یا بدون نیاز به آن.»

پس اسراف سه مصداق دارد:

### الف) اتلاف مال

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُحِبُّهُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - وَإِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يَبْغِضُهُ اللَّهُ حَتَّى طَرَحَكَ النَّوَاءَ فَإِنَّهَا تَصْلُحُ لِلشَّيْءِ وَحَتَّى صَبَّكَ فَضَلَّ شَرَابِكَ» (عاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۲۵، حدیث ۲)

«میانه روی امری است که خداوند آن را دوست دارد و اسراف، امری است که خداوند بر آن غضب می کند که شامل حتی دور انداختن هسته خرما نیز می شود؛ چون همان نیز به درد چیزی می خورد یا ریختن آب اضافی خود.»

### ب) مصرف نامناسب مال

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عِلَامَاتٍ؛ يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ، وَيَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ، وَيَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ» (عاملی، ۱۴۰۹، باب ۲۲، ح ۴)

«اسراف کننده سه علامت دارد: آنچه را مال او نیست می خورد و آنچه را مال او نیست می خرد و آنچه را مال او نیست می پوشد (یعنی شأن خود را رعایت نکرده و بدون در نظر گرفتن تناسب، به خریدن و خوردن و پوشیدن می پردازد.»

### ج) صرف مال در موارد غیر نیازمند

«عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُنْثَنِيِّ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - ﴿وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ فَقَالَ كَانَ فُلَانٌ بَنُ فُلَانٍ الْأَنْصَارِيِّ سَآهٍ وَكَانَ لَهُ حَرْثٌ فَكَانَ إِذَا أَخَذَ يَتَصَدَّقُ بِهِ فَيَبْقَى هُوَ وَعِيَالُهُ بِغَيْرِ شَيْءٍ فَجَعَلَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - ذَلِكَ سَرْفًا» (عاملی، ۱۴۰۹: باب ۲۹، حدیث ۳).

نظر امام صادق علیه السلام را درباره آیه شریفه «و حق آن را به هنگام درو پردازید و

اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست ندارد، پرسیدند. حضرت فرمود: «فلان انصاری (نام او را برد)، تمام برداشت‌های گندم خود را می‌بخشید و چیزی برای خود و عیالش باقی نمی‌گذاشت و این را خدا اسراف دانسته است.»

با توجه به توضیحاتی که گذشت، باید گفت دلیل وجوب ذبح قربانی در حج، نسبت به مواردی که قربانی‌ها تلف می‌شوند و به مصرف شرعی نمی‌رسند، اطلاق ندارد؛ یعنی دلیل وجوب ذبح شامل چنین مواردی نشده، بلکه ادله حرمت اسراف در این موارد جاری خواهد بود و نوبت به تعارض یا تراحم نمی‌رسد؛ حتی اگر شامل چنین مواردی نیز بدانیم، باز هم عمومات حرمت اسراف مقدم است؛ چون دلالت آنها بر حرمت قربانی که اسراف می‌شود، قوی‌تر از دلالت ادله وجوب قربانی است؛ چون اتلاف قربانی جزو بارزترین مصادیق اسراف است که بر هیچ کس پوشیده نیست و اگر عمومات مزبور را قوی‌تر ندانیم، بین این دو تعارض عامین من وجه خواهد بود. بنابراین، مورد اجتماع آنها، جایی است که ذبح قربانی، مصداق اسراف باشد؛ زیرا در این صورت دلیل وجوب ذبح، چنین ذبحی را واجب و دلیل حرمت اسراف، حرام می‌داند.

اگر گفته شود که در چنین مواردی به مرجحات صدوری، مثل صفات راوی یا شهرت، مراجعه می‌کنیم، می‌گوییم: در این صورت دلیل مرجوح به طور کامل؛ یعنی چه در ماده اجتماع و چه در ماده افتراق، از حجیت ساقط خواهد شد. در حالی که ماده افتراق، اصلاً داخل تعارض نبود تا ساقط شود. لذا به نظر می‌آید که برای تعارض باید به سمت مرجحاتی چون موافقت با کتاب و مخالفت با عامه مراجعه کرد که اینها نیز در اینجا وجود ندارند تا به تعارض و تساقط برسیم.

پس چه باید کرد؟ مشهور فقها (بجنوردی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۱۶) در مورد ماده اجتماع دو دلیل متعارضی که نسبت بین آنها عموم من وجه است، قائل به تساقط دو دلیل در ماده اجتماع می‌شوند و به اصول عملیه رجوع می‌کنند؛ چون نمی‌دانیم که وقتی گوشت قربانی تلف می‌شود، آیا ذبح آن واجب است یا نه؟ فرض ما نیز این است که هیچ یک از ادله حرمت اسراف و ادله وجوب ذبح، به دلیل تعارض و تساقط، شامل این مقام نمی‌شود؛ ضمن اینکه رابطه قربانی با دیگر مناسک حج، اقل و اکثر ارتباطی است که معروف اصولیون در چنین مواردی، اجرای برائت است؛ یعنی سقوط وجوب قربانی. ولی به دلیل اهمیت خاص حج، باید احتیاط کرد؛ چون شارع مقدس تحت هیچ

شرایطی قربانی را ساقط نکرده است و حتی بر کسی که پول خرید قربانی را ندارد، ده روز روزه واجب کرده است (بقره: ۱۹۶) و بر مصدود نیز واجب است که در همان محلی که از ورود او به مکه جلوگیری کرده‌اند، قربانی کند. در حالی که هنوز به سرزمین منا نرسیده است (عاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۶) یا کسی که بر اثر خستگی نتواند قربانی را به قربانگاه برساند، باید همانجا ذبح کند و کاغذی بنویسد تا رهگذران بدانند قربانی است و می‌توانند از آن بخورند. (عاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۳۱)

اشکال ۲) معنای «يَرْتَفِعُونَ إِلَىٰ وَادِي مُحَسَّرٍ» در روایت سماعه<sup>۱</sup> (عاملی، ۱۴۰۹، ابواب الحج و الوقوف بعرفه، باب ۱۱، ح ۴) این است که در وادی محسر ساکن شوند تا اعمالی از قبیل بیتوته یا ذبح یا حلق را به جا آورند؛ نه اینکه سه روز ماندن در منا واجب باشد. لذا نمی‌توان گفت که این روایت بر جواز انجام ذبح در وادی محسر دلالت نکرده و فقط ناظر بر بیتوته در مناست.

پاسخ) موضوع سؤال از امام علیه السلام کثرت مردم در سرزمین مناست؛ طوری که جای آنها تنگ شود و این تنگی جا در زمان بیتوته اتفاق می‌افتد؛ نه در زمان ذبح و قربانی. چون ضرورتی ندارد که همه مردم با هم و در یک محدوده زمانی مشخص قربانی کنند؛ بلکه دسته‌دسته و گروه گروه می‌توانند انجام دهند. لذا روایت سماعه نیز به دلیل تناسب حکم و موضوع، فقط شامل بیتوته است.

اشکال ۳) اینکه چون ذبح قربانی در منا و اتلاف آن در عصر نزول یا وجود نداشته یا نادر بوده، پس اطلاق روایات قربانی از این صورت انصراف دارد، درست نیست؛ زیرا نزد محققان متأخر، انصراف به مجرد نادر بودن یا موجود نبودن فرد در عصر نزول، پذیرفته نیست.

پاسخ) انصراف؛ یعنی انسباق معنای معینی از یک لفظ، به ذهن؛ بدین صورت که معنای منسب بعضی از افراد، طبیعتی است لفظ برای آن وضع شده است. بنابراین، معنای موضوع له لفظ و سبب تر از معنای منسب به ذهن است. همچنین واضح است که انصراف به دو قسم مستقر و بدوی تقسیم می‌گردد و شکی نیست که انصراف بدوی تأثیری بر اطلاق

۱. «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا كَثُرَ النَّاسُ بِمِنَىٰ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ كَيْفَ يَصْنَعُونَ؟ فَقَالَ: يَرْتَفِعُونَ إِلَىٰ وَادِي مُحَسَّرٍ...»

نداشته، ظهور لفظ را در اطلاق از بین نمی‌برد. بنابراین، اختلاف بین اصولیون در این مورد است که چه انصرافی بدوی است و چه انصرافی مستقر است که برای حل این مشکل، به تبیین منشأ انصراف پرداختند.

یکی از منشأهای انصراف، غلبه وجودی بعضی از افراد طبیعت معنای موضوع له لفظ در خارج است که آن هم مراتبی دارد؛ گاهی در مقابل افراد غالب، افراد قلیلی وجود دارند که به حد ندرت نمی‌رسند و گاهی افراد مزبور نادرند و گاهی به گونه‌ای است که اصلاً بعضی از افراد طبیعت، مصداق خارجی ندارند.

بدون شک، مرتبه اول از غلبه وجودی باعث انصراف مستقر نمی‌شود و اگر انصرافی حاصل شود، انصراف بدوی است که با کمی تأمل زایل می‌گردد. اما در مورد مرتبه دوم و سوم نمی‌توان چنین سخنی گفت؛ چرا که ندرت وجود یا معدوم بودن بعضی از افراد طبیعت، موجب می‌شود که رابطه‌ای بین لفظ و افراد غالب ایجاد شده و رابطه بین لفظ مزبور و افراد نادر یا معدوم ضعیف گردد؛ به گونه‌ای که دلالت لفظ مزبور بر افراد نادر یا معدوم مخدوش می‌شود. حتی اگر نتوان ندرت یا معدوم بودن بعضی از افراد طبیعت را موجب انصراف لفظ به افراد غالب دانست؛ حداقل این است که در ظهور اطلاق لفظ نسبت به افراد نادر یا معدوم تردید ایجاد می‌شود. لذا چنین اطلاقی قابل استناد نخواهد بود؛ چرا که در چنین صورتی، یکی از مقدمات حکمت، که «انتفاء ما یوجب التعین» است، احراز نشده است. بدین ترتیب مبنای چنین انصرافی، پدید آمدن یک علاقه و ارتباط بین لفظ و افراد غالب است که همراه با تضعیف علاقه بین لفظ و افراد نادر یا معدوم از طبیعت معنای موضوع له است. بنابراین، می‌توان انصراف ناشی از غلبه وجود بعضی از افراد را در برخی موارد، به مسئله دلالت و ظهور برگرداند و می‌دانیم که تشخیص ظهور نیز یک امر وجدانی است.

اشکال (۴) در آیه ۳۶ سوره حج:

﴿وَالْبَدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبَهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاكُمْ لِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

هیچ نکته‌ای جهت استظهار وحدت مطلوب از امر خداوند وجود ندارد؛ چون هیچ دلیلی برای تفریع بودن «فاء» و اینکه تفریع، وحدت مطلوب را ثابت می‌کند، ذکر نشده است تا بتوانیم بگوییم صرف ریختن خون و قربانی کردن مطلوب نیست؛ بلکه به مصرف نیازمندان رساندن گوشت قربانی مطلوب اسلام است.

جواب) دلیل ظهور «فاء» در تفریع و استظهار وحدت، مطلوب فهم عرفی است؛ چون مرجع تشخیص ظهور، عرف است و در آیات و روایات نیز، استفاده از گوشت قربانی بر ذبح متفرع شده است؛ مثل:

﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ﴾<sup>۱</sup> (حج: ۲۸)

با دقت در آیه فوق، معلوم می‌شود که وجوب قربانی کردن و مصرف نمودن آن به صورت چند فعل امر و در کنار یکدیگر در این آیه ذکر نشده است تا تعدد مطلوب از آن استفاده شود؛ ضمن اینکه تعدد مطلوب در واقع به نوعی از اطلاق و شمول دلیل بر می‌گردد؛ یعنی حقیقت تعدد مطلوب آن است که دلیل شرعی دارای شمولی باشد که صورت‌های مختلف امثال خود را در برگیرد؛ در حالی که دلیل وجوب ذبح چنین نیست.

اشکال (۵) اگر ذبح، مقدمه اطعام است و خود دارای ملاک نفسی نیست، چه اشکالی دارد که به جای آن، گوشت از قصاب خریده، بین نیازمندان توزیع کنند تا اطعام صورت گیرد، در حالی که چنین چیزی نمی‌شود و کسی نیز قائل به آن نیست. در این صورت پس چگونه وحدت مطلوب ثابت می‌گردد.

جواب) ذبح دو حیثیت دارد؛ «مقدمی» و «نفسی» که روی سخن ما با دومی است و شارع برای اطعام نیازمندان، آن هم از طریق خاص و با شرایط معین، آن را در نظر گرفته

---

۱. «تا شاهد منافع گوناگون خویش [در این برنامه حیات بخش] باشند و در ایام معینی نام خدا را بر چهارپایانی که به آنها داده است، [به هنگام قربانی کردن] ببرند؛ پس از گوشت آنها بخورید و بینوای فقیر را نیز اطعام نمایید.»

است. لذا با توجه به این دو حیثیت، اگر اتلاف و اسراف صورت گیرد، مجزی نیست و به جای قربانی هم نمی‌توان گوشت خرید.

سخن آخر اینکه از آخرین و کامل‌ترین دین الهی، پذیرفته و پسندیده نیست که پیروان خود را از اقصی نقاط عالم فراخوانده و در مهم‌ترین مراسم عبادی خود، امر به قربانی کند تا تلف شده یا فاسد گردند. در حالی که میلیون‌ها نفر در جهان، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، به خاطر گرسنگی در حال جنگ و جدال دائمی با مرگ و زندگی هستند.

استفتائات صورت گرفته از سوی بانک توسعه اسلامی و واحد چرایی طرح قربانی سازمان حج و زیارت و فتاوی مراجع عظام تقلید - دامت برکاتهم - در مورد عدم رعایت ترتیب اعمال و ذبح شبانه عیناً ذکر می‌شود:

شورای استفتای بعثه مقام معظم رهبری

با سلام و تحیت

بدین وسیله به اطلاع می‌رساند:

بر اساس تحقیقات و بررسی‌های به عمل آمده توسط بعثه مقام معظم رهبری و سازمان حج و زیارت، انجام قربانی در منا و یا نزدیک‌ترین نقطه به آن، تنها در کشتارگاه‌های تحت پوشش بانک توسعه اسلامی، که همگی خارج از منا می‌باشند، امکان‌پذیر است.

این بانک، که با سرمایه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی تأسیس شده و جمهوری اسلامی نیز عضو فعال آن است، پس از انجام ذبیحه حج، بلافاصله آنها را آماده‌سازی و منجمد می‌کند و سپس در سردخانه‌ها ذخیره، و به تدریج به کشورهای مختلف، جهت توزیع بین نیازمندان و فقیران، ارسال می‌کند که طبق هماهنگی به عمل آمده و قرارداد امضا شده میان بانک توسعه اسلامی و کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار است به زودی بیست هزار لاشه گوشت ذبیحه، جهت توزیع بین فقرا به داخل کشور انتقال یابد که در حج آینده، این تعداد به بیش از هفتاد هزار عدد می‌رسد.

بانک توسعه اسلامی در نظر دارد در سال آتی، از امعاء و احشاء و پوست نیز استفاده نموده، تا هیچ یک از اجزای ذبیحه‌ها از بین نرود. در سال گذشته حدود هفتاد هزار نفر از زائران ایرانی توانستند در این قربانگاه‌ها ذبح نموده و از تلف شدن ذبیحه‌های آنان جلوگیری به عمل آید.



بر اساس اظهارات رییس بانک توسعه اسلامی، در سال گذشته حدود ۶۷۰ هزار قربانی در قربانگاه‌های متعلق به این بانک انجام گردیده که تعدادی از حاجیان شافعی مذهب نیز قبل از ایام تشریق، در محدوده شهر مکه قربانی کرده‌اند و تعداد قابل توجهی نیز از اهالی عربستان، حج افراد انجام داده‌اند که نیاز به قربانی ندارند.

در مسافرتی که اخیراً رییس بانک توسعه اسلامی به ایران داشت، گفت:

«ما در جهت افزایش امکانات تلاش خواهیم کرد؛ لیکن به دلیل محدودیت مکانی، زمانی و روند رو به افزایش تعداد حجاج و مشکلاتی از این قبیل، امکان ذبح تمامی قربانی‌ها در روز اول مقدور نیست و تنها مشکل جدی همین امر است که اگر مسئله عدم لزوم رعایت ترتیب در اعمال منا حل شود و یا آنکه زائران تشویق شوند که برای دستیابی به این امر مهم و عدم اتلاف ذبیحه‌ها، تحمل نموده تا تعدادی روز دوم ذبح را انجام دهند، ان شاء الله یکی از مشکلات تأسف بار حج، که اتلاف ذبیحه‌ها بوده، به خوبی مرتفع خواهد شد.»

## میقات حج

حال با توجه به گزارش فوق، خواهشمند است نظر مبارک خود را مرقوم فرمایید تا در سال جاری، حجاج محترم ایرانی و دیگر شیعیان جهان بتوانند بدون اضطراب و نگرانی نسبت به انجام اعمال منا اقدام نمایند.

سلامتی و دوام توفیقات و طول عمر حضرت عالی را از خداوند متعال مسئلت داریم. مزید اطلاع حضرت عالی، آمار زیر، که مربوط به حج سال ۱۳۷۹ ش، (۱۴۲۱ق) می‌باشد، به استحضار می‌رسد:

- تعداد افراد اعزامی از جمهوری اسلامی ایران: ۸۷۸۰۰ نفر.
- تعداد افرادی که عمره تمتع به جا آورده‌اند: ۸۷۰۰۰ نفر.
- تعداد افرادی که از طرح بانک برای انجام قربانی استفاده کرده‌اند: ۷۰۰۳۲ نفر (۵/۸۰٪).
- تعداد افرادی که صبح روز دهم موفق به انجام قربانی شده‌اند: ۱۵۹۴۹ نفر (۲۲/۷۸٪).
- تعداد افرادی که بعد از ظهر روز دهم موفق به انجام قربانی شده‌اند: ۲۲۷۸۲ نفر (۳۲/۵۳٪).
- تعداد افرادی که تا ظهر روز یازدهم موفق به انجام قربانی شده‌اند: ۳۱۳۰۱ نفر (۴۴/۶۹٪).

از جمله عوامل عدم موفقیت کامل طرح مذکور، که حجاج ایرانی نتوانسته‌اند در روز دهم با انجام قربانی از احرام خارج شوند، عبارت بودند از:

۱. ظرفیت محدود کشتارگاه‌ها، علی‌رغم اینکه تعداد زیادی از سالن‌های ذبح در اختیار حجاج ایرانی قرار داده شد.

۲. وجود پاره‌ای از ناهماهنگی‌ها که با توجه به نبودن طرح، طبیعی به نظر می‌رسد.

۳. ضرورت رعایت ترتیب توسط حجاج ایرانی.

۴. عدم حضور به موقع و کلای افراد مشمول وقوف اضطراری در کشتارگاه‌ها.

با توجه به اینکه حجاج خارجی احناف نیز ملزم به رعایت ترتیب می‌باشند، عملاً امکان انجام قربانی کلیه حجاج ایرانی در روز دهم میسر نمی‌باشد.

### ۱. آیت الله العظمی خامنه‌ای:

با فرض ضرورت می‌توانند قربانی را تأخیر بیندازند و همان روز عید حلق یا تقصیر نمایند و از احرام خارج شوند؛ ولی اعمال مکه را قبل از قربانی به جا نیاورند.

### ۲. آیت الله العظمی صافی گلپایگانی

در مورد سؤال، عدم مراعات ترتیب در اعمال منا برای کسی که متمکن از ذبح قربانی در روز عید نباشد، اشکال ندارد؛ یعنی می‌تواند حلق یا تقصیر را روز عید انجام دهد و از احرام خارج شود و روز بعد، که متمکن از ذبح شد، قربانی را انجام دهد، ولی اگر از ذبح قربانی در روز عید متمکن باشد، تأخیر ذبح قربانی از روز عید، به جهت امر مذکور در سؤال، مشکل است، والله العالم.

### ۳. آیت الله العظمی سیستانی

وقت قربانی تا روز سیزدهم ادامه دارد؛ ولی حاجی تا ذبح نکرده، مُحِل نمی‌شود؛ گرچه پس از تحصیل و تعیین قربانی به نام او، می‌تواند حلق یا تقصیر کند؛ ولی بر احرام باقی می‌ماند تا ذبح شود.

#### ۴. آیت الله العظمی نوری همدانی

در فرض سؤال، در صورتی که برای حجاج محترم و یا برای بعضی از آنها، انجام قربانی در روز عید قربان مستلزم عسر و مشقت و حرج باشد، رعایت ترتیب لازم نیست و می‌تواند روز عید، بعد از رمی جمره و حلق یا تقصیر، از احرام خارج شود و قربانی کردن را تا روز یازدهم و دوازدهم به تأخیر بیندازد؛ ولی انجام طواف و سعی حج، باید بعد از قربانی کردن باشد.

#### ۵. آیت الله العظمی فاضل لنکرانی

بسمه تعالی و له الحمد، رعایت ترتیب بین اعمال ثلاثه روز عید، در حال اختیار، بنا بر احتیاط لازم است؛ لیکن در فرض سؤال که قربانی عده‌ای از زائران به روز یازدهم تأخیر می‌افتد، حجاج محترمی که باقی ماندن آنها در لباس احرام مشقت دارد، می‌توانند بعد از رمی جمره با تقصیر یا حلق از احرام خارج شوند و قربانی را روز یازدهم انجام دهند، لکن توجه داشته باشند که اعمال مکه را باید بعد از تمامیت اعمال ثلاثه انجام دهند، والله العالم.

#### ۶. آیت الله العظمی موسوی اردبیلی

بنا بر احتیاط واجب، قربانی باید در روز دهم و در منا انجام گیرد و اگر ذبح در روز دهم برای حاجی مقدور نشد، بنا بر احتیاط باید تا روز دوازدهم قربانی کند و اگر تا این وقت هم انجام نداد، در روز سیزدهم قربانی کند و اگر نتوانست، در بقیه ماه ذی‌الحجه انجام دهد و اگر کسی قربانی را به تأخیر اندازد، باید حلق یا تقصیر را هم به تأخیر اندازد و پس از ذبح آن را انجام دهد.

#### ۷. آیت الله العظمی مکارم شیرازی

خدا را شکر که فتوای قربانی و تلاش‌های دیگر مسئولان، سرانجام تأثیر خود را کرد و یکی از مشکلات حج بیت الله الحرام، که چهره این عبادت مهم اسلامی را زنده ساخته بود، تا حدی حل شد؛ زیرا طبق آنچه نوشته‌اید، عربستان سعودی تعهد کرده است که به جای سوزاندن یا دفن گوشت قربانی‌ها تمام آنها را بسته‌بندی کرده و به مصرف نیازمندان مسلمان برساند و این یک موفقیت بزرگ برای جهان اسلام و تشیع محسوب می‌شود.

بنابراین، در شرایطی که همه گوشت‌ها مصرف می‌شود؛ اولویت با ذبح در قربانگاه‌های فعلی است؛ هر چند همه آنها خارج از مناسبت و اگر مسئله اتلاف تجدید شود، فتوای ما همان لزوم ذبح در محلی است که می‌توان گوشت قربانی را به مصرف شرعی رساند و چنانچه شرایط فعلی اجازه نمی‌دهد که همه قربانی‌ها روز اول انجام گیرد و بعضی به حکم ضرورت به روز دوم کشیده می‌شود، حجاج محترم می‌توانند بعد از رمی جمره و خریدن فیش قربانی تقصیر کنند و از احرام در آیند. عظمت اسلام و مسلمین را از خداوند بزرگ مسألت دارم. همیشه موفق باشید. ۸۰/۸/۳۰

### ۸. آیت الله العظمی تبریزی

در صورت امکان، باید ترتیب در اعمال منارعايت شود و چنانچه حاجی در روز عید تمکن از قربانی ندارد، حلق یا تقصیر می‌کند و از احرام خارج می‌شود، قربانی را در روز بعد انجام می‌دهد؛ تأخیر قربانی در فرض مزبور مانعی ندارد و ضرری به حج نمی‌رساند، والله العالم.

### ۹. آیت الله العظمی بهجت

بسمه تعالی - احتیاط تکلیفی در مراعات ترتیب است در حال اختیار و عدم عذر.

### ۱۰. آیت الله العظمی شبیری زنجانی

بسمه تعالی، وقت اختیاری قربانی تا روز دوازدهم ادامه دارد و حاجی اختیاراً هم می‌تواند قربانی را تا روز دوازدهم به تأخیر بیندازد و تا ذبح نکرده، نمی‌تواند اعمال مکه را به جا آورد؛ مگر در سه مورد:

الف) کسی که می‌ترسد اگر می‌خواهد برای حلق و تقصیر صبر کند تا ذبح انجام پذیرد، مشکلی مانند مراجعت کاروان یا حائض شدن برای او پیش آید و نتواند شخصاً اعمال مکه را به جا آورد؛

ب) کسی که می‌ترسد تأخیر اعمال مکه باعث بروز مشکلی که شرعاً جلوگیری از آن واجب است، گردد؛ مثلاً می‌ترسد اگر این اعمال را به تأخیر بیندازد، جان یا آبروی خود یا شخص محترم دیگری از بین برود؛

ج) کسی که تأخیر اعمال مکه برای او موجب حرج و مشقت شدید بیش از متعارف می‌گردد. (تذکر این نکته لازم است که منظور از مشقت شدید در اینجا مشقتی است که ممکن است استثناً برای برخی افراد پیش آید؛ والا در احرام ماندن به مقدار چند روز مشقت شدید محسوب نمی‌شود و طبیعت حج معمولاً با این مقدار مشقت‌ها همراه بوده است).

این سه گروه می‌توانند پس از رمی شبانه، ذبح و حلق یا تقصیر کرده، به انجام اعمال مکه مبادرت ورزند و می‌توانند برای ذبح در روز وکالت بدهند و پس از وکالت دادن، حلق یا تقصیر و اعمال مکه را به‌جا آورند (هر چند هنوز قربانی نشده باشد) والله العالم.

با توجه به فتاوی فوق می‌توان گفت: اکثریت مراجع عالیقدر تقلید - دامت برکاتهم - تأخیر قربانی را حتی تا روز سیزدهم هم جایز دانسته‌اند، ولی بیشتر آنها قائل به لزوم رعایت ترتیب می‌باشند؛ گرچه بعد از حلق و تقصیر می‌توانند از احرام خارج شوند و به هر حال، اعمال مکه را باید بعد از انجام قربانی به‌جا آورند.

سازمان حج و زیارت

محضر مبارک حضرت آیت الله

سلام علیکم

احتراماً همان‌گونه که مستحضرید، قربانی حجاج ایرانی برای پنجمین سال متوالی در سال ۱۳۸۳ و به صورت متمرکز توسط ذابحان حرفه‌ای اعزامی از کشور، که تمامی ایشان آموزش‌های شرعی و اجرایی لازم را طی نموده‌اند، به نحو شایسته و با کمیت قابل توجهی انجام گردیده؛ به طوری که در روز دهم ۷۹/۸۰۰ نفر از زائرین توفیق یافتند تا با انجام ذبح به نیابت از ایشان از احرام خارج شوند.

با توجه به اینکه تعدادی از زائرین طبعاً موفق به خروج از احرام نخواهند شد و به لحاظ روحی و روانی در کاروان برایشان تأثیرگذار خواهند بود و از آنجا که بعضی از مراجع عظام؛ از جمله حضرت امام (خمینی) ذبح در شب را در صورت عدم تمکن در روز، جایز می‌دانند و از سوی دیگر امکانات بالقوه قابل بهره‌برداری ذبح شبانه (بعد از غروب آفتاب) به نیابت از زائرین باقیمانده وجود دارد، لذا مستدعی است نظر شریف را در این زمینه، با توجه به موارد فوق، مرقوم نمایید.

واحد اجرایی طرح قربانی سازمان حج و زیارت

## بسمه تعالی

### پاسخ به استفتای ذبح شبانه قربانی حجاج ایرانی

۱. حضرت امام خمینی رحمته الله علیه: ذبح در شب را در صورت عدم تمکن در روز جایز می‌دانند.
۲. حضرت آیت الله بهجت: جائز است.
۳. حضرت آیت الله تبریزی: بنا بر احتیاط، قربانی را باید در روزهای آینده تا آخر روز سیزدهم انجام دهد.
۴. حضرت آیت الله حسینی شاهرودی: در صورت عدم امکان، در شب ذبح کند و احتیاطاً در سال آینده نیز در روز ذبح نماید.
۵. حضرت آیت الله حکیم: ذبح در شب، ولو در صورت عدم امکان در روز عید جایز نیست.
۶. حضرت آیت الله خامنه‌ای: ذبح قربانی در شب یازدهم هم صحیح و مجزی است.
۷. حضرت آیت الله سیستانی: ذبح در شب، به احتیاط واجب، مجزی نیست.
۸. حضرت آیت الله شبیری زنجانی: انجام قربانی در شب جایز نیست.
۹. حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: ذبح در شب خلاف احتیاط است.
۱۰. حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: ذبح در حال اختیار و علم کفایت نمی‌کند، اما در صورت جهل یا اضطرار، مجزی و کافی است.
۱۱. حضرت آیت الله مکارم: ذبح در شب اشکال دارد.
۱۲. حضرت آیت الله نوری: ذبح در شب کفایت می‌کند.

### نتیجه‌گیری

با توجه به این پژوهش، به نظر می‌آید که در اینجا دو موضوع مهم وجود دارد و لذا می‌توان گفت:

بر اساس بحث‌های به عمل آمده از طریق آیات و روایات، عقل و اجماع، به نظر می‌آید قربانی کردن در خارج از سرزمین منا، مجزی بوده و هیچ اشکالی بر آن مترتب نیست؛ چون وقتی قرار شد قربانی کردن، به منظور اطعام فقرا و سدّ جوع آنها، ولو در یک مدت زمان محدود صورت گیرد، در آن زمان امکان دسترسی به فقرا و دسترسی فقرا به گوشت قربانی بود و سرزمین منا بهترین محل برای این کار بود تا فقرا بدانند که



این قربانی در کجا قرار است صورت بگیرد و چگونه می‌توانند به آن دست یابند؛ زیرا توزیع هر چیزی، یک مکانی می‌خواهد که قابل دسترسی همه باشد و مناسبتی خصوصی داشته؛ چون هدف قربانی کردن، اطعام دیگران است؛ باید در جایی قربانی کرد که این هدف محقق شود؛ یعنی غرض خداوند متعال، رسیدگی به وضع فقر جامعه بود؛ حالا چه فرقی می‌کند که در عربستان باشد یا ایران، عراق یا هر جای دیگری که امکان عمل به هدف وجود داشته باشد، ولی گروهی دیگر، با توجه به همین استدلالها و با استفاده از همان منابع، حکم به عدم جواز قربانی در خارج از منا کرده، می‌گویند هدف، قربانی کردن و بررسی چگونگی و مقدار خلوص مؤمنان است که آیا حاضرند از بخشی از اموال خود بگذرند یا نه و اطعام فقرا واجب دوم است؛ یعنی حال که قربانی می‌کنید، گوشتش را به فقرا بدهید تا مصرف کنند و از فقر بیرون آیند و اگر نشد، اشکالی ندارد، چون به وظیفه اصلی عمل شده است. ضمن اینکه انجام قربانی میلیون‌ها نفر همزمان با هم و در یک جا باعث خلق صحنه‌ای باشکوه و شگفت‌انگیز می‌شود که نوعی تبلیغ اسلام و نشان دادن ابهت و وحدت و خلوص مسلمانان است؛ گرچه ممکن است حکمت‌های دیگری نیز داشته باشد که ما از آنها بی‌اطلاعیم.

برخی از فقهای معاصر نیز با ارائه استدلالهای گوناگون، قائل به اجزای قربانی در خارج از سرزمین منا، بلکه حتی در ایران و هر کشور دیگر حجاج هستند؛ یعنی همان وجه اول را گرفته‌اند؛ چون قائلند که قربانی‌ها در سرزمین منای تلف گردیده و اسراف می‌شود و خداوند متعال به هیچ وجه راضی به این کار نیست. ضمن اینکه قربانگاه‌های فعلی در خارج از مناست.

در مورد ذبح شبانه نیز بعضی از فقها آن را مجزی و بعضی غیر مجزی دانسته‌اند. در صورت اضطرار، ذبح در مسلخ‌های جدید را اکثر فقها مجزی می‌دانند و زمان قربانی را تا روز سیزدهم (ایام تشریق) جایز اعلام کرده، ولی بعضی‌ها رعایت ترتیب را لازم و بعضی غیر لازم می‌دانند؛ لیکن به هر حال، انجام اعمال مکه را پس از خروج از احرام جایز می‌دانند. خلاصه اینکه در صورت اختیار، قربانی باید در سرزمین منا و در روز قربانی صورت گیرد؛ ولی اگر این اختیار سلب شود، عمل به اضطرار مانعی ندارد.

در پایان، لازم به ذکر است که تقریباً همه فقها قائل به الاقرب فالاقرب هستند؛ یعنی هر چه به سرزمین منازدیک تر باشد، بهتر است؛ یعنی اگر در سرزمین منازدیک تر باشد، در وادی محسر، اگر آنجا هم نشد، در مکه و اگر آنجا هم نشد... تا حاجی به کشور خود برسد؛ یعنی اگر دید که هیچ جایی نمی تواند به تکلیف خود عمل کند، در کشور خود قربانی کرده، گوشتش را بین فقرا تقسیم نماید که به نظر می رسد همین نظریه نیز درست بوده و مجزی است.

### پیشنهادها

با توجه به فتاوی که گذشت، تقریباً دو طرف جواز و عدم جواز، در ذبح در شب مساوی هستند. مجزی بودن ذبح شبانه می تواند کمک زیادی در قربانی کردن در قربانگاهها در شب یازدهم (ملحق روز عید)، جلوگیری از اسراف و اتلاف، رفع دغدغه حجاج و... داشته باشد و بسیار مناسب است که محققان و پژوهشگران توانمند، با تحقیق میدانی در این مسئله، با توجه به منابع استنباط فقهی ما، آخرین راهکارهای ممکن را پیشنهاد کنند تا مراجع عظام تقلید - دامت برکاتهم - نیز بر مبنای این پژوهش های واقعی و میدانی، حکم شرعی متناسب با زمان و مکان خود را صادر فرمایند که به نظر می آید با در نظر گرفتن همه جوانب، ذبح در شب اشکالی نداشته باشد و مجزی خواهد بود. بدیهی است که این نظریه، مربوط به زمان اضطرار است؛ چون اولویت با ذبح در روز است، ولی اگر در زمان اختیار و اضطرار بتوان چنین فتاوی صادر کرد، شاید بخشی از مشکلات قربانی را بتوان حل کرد.

### منابع

- \* قرآن کریم
- \* مفاتیح الجنان
- ۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، ۱۳۶۷ش، النهایه، تحقیق طاهر احمد الزاوی (النهایه فی غریب الحدیث و الأثر)، چاپ اسماعیلیان، قم، چاپ چهارم.
- ۲. احمدی، حبیب الله، ۱۳۷۶ش، حج و قربانی در منا، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره سیزدهم.
- ۳. اردبیلی (مقدس اردبیلی)، احمد بن محمد، ۱۴۲۱ق، زبده البیان، تحقیق رضا استادی و علی اکبر زمانی نژاد، چاپ مؤمنین، قم.

۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷ق، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربية، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، دار العلم للملایین، بیروت (لبنان)، چاپ چهارم.
۵. حائری، سید کاظم، ۱۳۸۰ش، مکان ذبح در حج، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت علیهم السلام، قم، سال ۷، شماره ۲۷، پاییز.
۶. طریحی، فخرالدین، ۱۴۰۸ق، مجمع البحرین، با تحقیق محمود عادل و احمد حسینی، تهران، چاپ دوم، نشر فرهنگ اسلامی.
۷. عابدینی، احمد، ۱۳۷۵ش، حکم کشتن قربانی خارج از منا، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، شماره دهم.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، چاپ اسلامی، تهران.
۹. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بی تا، القاموس المحیط، دار المعرفه، بیروت (لبنان).
۱۰. مجله درس‌هایی از مکتب الاسلام، قم، شماره ۹، سال ۱۳۸۱ش.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۸ق، حکم الاضحیة فی عصرنا، تحقیق احمد القدسی، منشورات الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، چاپ دوم.
۱۲. موسوی بجنوردی، حسن، بی تا، منتهی الاصول، مکتبه بصیرتی، قم، چاپ دوم.
۱۳. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۰ق، المعتمد فی شرح المناسک، ناشر دارالعلم، قم، چاپ اول.
۱۴. نراقی، احمد بن محمد مهدی، ۱۳۷۵ش، عوائد الایام فی بیان قواعد الاحکام و مهمات مسائل الحلال والحرام، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.